

مکتب اجتهادی آخوند خراسانی (کتاب)

نویسنده خلاصه: مهدی خسروی سرشکی
نویسنده کتاب: سید مصطفی محقق داماد

چکیده

مکتب اجتهادی آخوند خراسانی عنوان پژوهشی از سید مصطفی محقق داماد است که با نگاهی تاریخی، تحلیلی و انتقادی، به بازخوانی اندیشه‌های فقهی و اصولی آخوند محمدکاظم خراسانی، از فقهای برجسته عصر مشروطه می‌پردازد. نویسنده با بهره‌گیری از منابع تاریخی، آثار مکتوب و فتاوی این اندیشمند، تلاش کرده است با بررسی سیر تاریخی علم اصول، ظهور جریان اخباری‌گری، و نهضت شیخ انصاری، همچنین معرفی سه مکتب اصولی سامرا، نجف و قم، تصویری جامع از زمینه‌های فکری و اجتماعی تحول اجتهاد شیعی ارائه دهد.

محقق داماد با روایت زندگی‌نامه علمی و سیاسی آخوند خراسانی، ویژگی‌های مکتب اجتهادی او را که مبتنی بر صناعت اصولی و قواعد فقهی است، با ارائه نمونه‌هایی تحلیل کرده و با شرح دیدگاه‌های وی درباره احکام تکلیفی و وضعی، رویکرد عقل‌گرایانه و ساختارمند او را نمایان ساخته است. تمرکز بر دو اصل بنیادین عدالت و کرامت انسانی در نظام اجتهادی آخوند خراسانی، و تأثیر این اصول در تدوین فتاوا و ساختارهای اجتماعی و سیاسی فقه شیعی، از جمله محورهای اصلی بررسی این اثر به‌شمار می‌آید.

در همین چارچوب، موضوعاتی مانند وقف مسلمان برای غیرمسلمان، ولایت فقیه در تصرفات مالی و جانی، و تفکیک روایات قضایی از روایات فقهی نیز مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. محقق داماد، ضمن تأکید بر ضرورت اجتهاد پویا و مستمر در عصر حاضر، توجه به مقتضیات زمان را در فرآیند استنباط احکام ضروری دانسته است؛ امری که بازتابی روشن از اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه آخوند خراسانی به‌شمار می‌رود.

معرفی اجمالی و ساختار

کتاب «مکتب اجتهادی آخوند خراسانی» عنوان فرعی از یک پژوهش کلان با نام تحولات اجتهاد شیعی از سید مصطفی محقق داماد است که در ضمن چندین مقاله به بررسی تحولات اجتهاد شیعی در پرتو تحولات پرشتاب قرن معاصر می‌پردازد. چند مقاله از این پژوهش به بازخوانی اندیشه‌های فقهی و اصولی محمدکاظم آخوند خراسانی می‌پردازد تا بتواند مکتب اجتهادی او را استخراج کند.

ساختار

کتاب مکتب اجتهادی آخوند خراسانی در نه گفتار تنظیم شده و در پایان، چکیده‌ای به زبان انگلیسی از مطالب آن ارائه گردیده است.

گفتار اول به گزارشی تاریخی از تدوین و تحول اصول فقه شیعی، از نخستین هسته‌های علم اصول تا ظهور اخباری‌گری و نهضت شیخ انصاری و معرفی سه مکتب اصولی معاصر (سامرا، نجف و قم) اختصاص دارد (ص ۵۸-۱۱).

گفتار دوم به بررسی عوامل فکری و اجتماعی و سیاسی مؤثر در تحول اجتهاد شیعی؛ از جمله جنبش‌های فکری و روشنفکری، فتوای تحریم تنباکو، دو جنگ جهانی، سقوط دولت عثمانی و صدور فتوای نافرمانی مدنی در کشورهای اسلامی می‌پردازد (ص ۵۹-۱۰۶).
گفتار سوم درباره زندگی‌نامه آخوند خراسانی و معرفی مکتب اجتهادی مبتنی بر صناعت و قواعد با بررسی نمونه‌هایی چون «امر پس از نهی»، «نهی در معاملات» و نظریه‌های «تخطئه و تصویب» است (ص ۱۶۰-۱۰۷).

گفتار چهارم به ادامه معرفی مکتب اجتهادی صناعت‌محور آخوند خراسانی با تمرکز بر احکام تکلیفی و وضعی و تفاوت میان آن‌ها پرداخته است (ص ۱۶۱-۱۸۲).

گفتار پنجم به تبیین دو اصل بنیادین «عدالت» و «کرامت انسانی» در منظومه فقهی آخوند خراسانی با ارائه نمونه‌هایی از فتواها می‌پردازد (ص ۱۸۳-۲۱۶).

گفتار ششم به بررسی نقش اصل عدالت در فقه شیعی و ارتباط آن با توسعه حقوق بشر، با تحلیل حسن و قبح ذاتی، عقلی و شرعی، و بررسی واقع‌گرایی یا قراردادی بودن آن‌ها پرداخته است (ص ۲۱۷-۲۵۴).

گفتار هفتم به تحلیل جایگاه اصل کرامت انسانی در فقه شیعی با تمرکز بر مسئله وقف مسلمان برای غیرمسلمان و دیدگاه خاص آخوند خراسانی اختصاص یافته است (ص ۲۵۵-۲۷۶).

گفتار هشتم، دیدگاه‌های آخوند خراسانی و شیخ انصاری درباره ولایت تصرف معصوم و فقیه در امور مالی و جانی، و تمایزات نظری آخوند خراسانی را بررسی می‌کند (ص ۲۷۷-۳۰۶).
گفتار نهم به تبیین اجتهاد مستمر و پویای شیعی در عصر جدید با توجه به مقتضیات زمان و تحلیل تفکیک روایات قضایی از روایات فقهی می‌پردازد (ص ۳۰۷-۳۴۰).

بنیان‌گذاری مکتب نجف و پیرایش علم اصول مکتب سامرا
محقق داماد، مکتب شیعی سامرا را به‌عنوان نماد «پردازش و توسعه بی‌رویه علم اصول» توصیف می‌کند که با حضور میرزا محمدحسن شیرازی در آغاز قرن چهاردهم قمری قدرت پیدا کرد. به باور او، ظهور مکتب اصولی نجف با محوریت آخوند خراسانی، بازتابی از مخالفت با مکتب سامرا و به دنبال پیرایش علم اصول است (ص ۵۱). در ادامه، محقق داماد به ظهور مکتب اصولی قم با حضور شیخ عبدالکریم حائری یزدی اشاره می‌کند. او این مکتب را نماد «اعتدال» دانسته که در برابر «افراط» موجود در مکتب اصولی نجف قد برافراشت (ص ۵۴). او همچنین به آثار برجسته اصولی در فضای نهضت «ویرایش علم اصول» در مکتب نجف اشاره می‌کند و سید ابوالقاسم خویی و شیخ محمداسحاق فیاض را به‌عنوان نسل بعدی این مکتب اصولی معرفی می‌نماید (ص ۵۳-۵۴).

عوامل اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار در تحول مکاتب اجتهادی شیعی
محقق داماد معتقد است سه مکتب اجتهادی نجف، سامرا و قم، در مسیر تحولی خود تحت تأثیر عوامل و رخدادهای اجتماعی و سیاسی جهانی در جوامع اسلامی قرار گرفته‌اند داشته‌اند (ص ۵۹). وی به چند عامل مهم در این زمینه اشاره می‌کند:

نهضت‌های فکری در جهان اسلام: وی سه جریان فکری و سیاسی را برجسته می‌سازد: سید جمال‌الدین اسدآبادی و فعالیت‌های گسترده در جوامع اسلامی (ص ۶۱)

محمد عبده در مصر و نظریه جدید فقهی درباره حکومت پس از سقوط دولت عثمانی (ص ۶۷) فتاوی رشید رضا و انتشار مجله «المنار» (ص ۷۲).

صدور فتاوی تحریم تنباکو بر اساس مبنای مقاومت مدنی در برابر سلطه کفار: محقق داماد این فتوا را مبتنی بر متد اجتهاد شیعی (ص ۸۲) و بر مبنای «مقاومت مدنی ملت مسلمان در برابر تسلط کفار» می‌داند (ص ۸۵). وی تأکید می‌کند که همین مبنای فقهی پس از میرزای شیرازی، در فتاوی شاگردان وی استمرار یافت؛ از جمله فتاوی مقاومت مسلمانان عراق توسط میرزای دوم (ص ۸۶) و فتاوی مقاومت مسلحانه از سوی سید عبدالحسین موسوی لاری که مردم لارستان فارس را به مقاومت علیه نیروهای انگلیسی دعوت می‌کند (ص ۸۹). محقق داماد همچنین به فتاوی نافرمانی مدنی در قبال دستگاه‌های حاکمه کشورهای اسلامی توسط سید لاری اشاره کرده و مبنای فقهی این حکم را بر اساس ادله وی تحلیل می‌نماید (ص ۹۲). در پایان نیز، تحلیل خود را درباره فتاوی نافرمانی مدنی از سوی فقهای شیعه ارائه می‌کند (ص ۱۰۱).

وقوع دو جنگ جهانی و درگیر شدن برخی کشورهای اسلامی (ص ۸۰). سقوط دولت عثمانی (ص ۸۰).

نهضت مشروطیت در ایران (ص ۸۱).

اجتهاد به روش آموزشی قرآن

محقق داماد در این کتاب، در کنار تبیین دیدگاه‌های فقهی آخوند خراسانی، به نظرات فقهی خود نیز، چه در لایه‌های مباحث و چه به صورت مستقل، اشاره می‌کند. یکی از این موارد، اجتهاد در اخبار واصله بر پایه روشی است که قرآن برای اجتهاد آموزش می‌دهد (ص ۳۱۸). به نظر وی، طبق رهنمود قرآن در برخورد با اخبار، از نظر صدور و دلالت روایات، علاوه بر عدالت راوی، فرآیند استنباط نیز باید از جهت دلالت و مفاد اخبار به روش قرآنی صورت گیرد.

به نظر نویسنده کتاب، این رویکرد قرآنی، بسیاری از قواعد اصولی در فهم الفاظ را - مانند اصالة الظهور و اصالة الاطلاق که توسط امام شافعی پایه‌گذاری شده‌اند - زیر سؤال می‌برد. از دید محقق داماد، در مسائل مهمی که با امنیت عمومی سر و کار دارند، نمی‌توان به این اصول ظاهری بسنده کرد (ص ۳۲۹). او به نمونه‌هایی از این گونه اجتهاد اشاره و دفاع می‌کند: عدم جواز جهاد ابتدایی در دوران غیبت معصوم و برده‌سازی کفار در غیر حالت جنگ یا در حالت جنگ (اسرای جنگی) (ص ۳۳۰ تا ۳۳۷).

تفکیک روایات قضایی از روایات فقهی در اجتهاد

یکی از نظرات فقهی محقق داماد در این کتاب، پیشنهاد تفکیک روایات قضایی از روایات فقهی است. از نظر وی، بسیاری از روایات حاوی مفاهیم قضایی‌اند و نمی‌توان آن‌ها را دارای جنبه کلی فقهی دانست. مقصود از روایات فقهی، روایاتی هستند که حامل یکی از احکام شرعی‌اند؛ اما روایات قضایی یا تطبیق احکام کلی بر مصادیق خاص هستند، که در آن‌ها پیشوایان نحوه اعمال و اجرای حکم را آموزش داده‌اند، یا اصولاً آموزش روش رسیدگی قضایی محسوب می‌شوند.

در موارد متعددی، راوی برای حل یک مرافعه نزد امام رفته، پرونده را مطرح کرده و امام یا حکم آن را با شرایط خاص صادر کرده یا شیوه دادرسی را آموزش داده است. گاهی نیز راوی مقدمه سؤال خود را ذکر نکرده و تنها پاسخ امام را نقل کرده است. به نظر محقق

داماد، این تفکیک در مباحث فقه جزایی، به‌ویژه در باب دیات، کاملاً مؤثر است (ص ۳۳۸ تا ۳۴۰).

بازخوانی مکتب فقهی و اصولی آخوند خراسانی و مکتب نجف
محقق داماد در بخش‌های مختلف کتاب، مجموعه‌ای از مبانی و اصول را برای معرفی مکتب
اجتهادی آخوند خراسانی بیان کرده است.

بازتاب مباحث فلسفی و عقلی در اصول فقه آخوند خراسانی
به گفته نویسنده، نخستین آثار در زمینه دانش اصول فقه به سده‌های دوم و سوم قمری
پاز می‌گردد؛ جایی که سه حلقه تعلیمی متمایز از اصحاب ائمه شکل گرفته بود: زرارة بن
أعین (در کنار محمد بن مسلم و ابو بصیر)، هشام بن سالم و هشام بن حکم (م ۱۹۹ق)
(ص ۲۷). وی، دوره شیخ انصاری و دستاوردهای علمی او را که پس از نهضت ضد
اخباری‌گری شکل گرفته بود، برتر از مجموعه آثار اصولی یازده قرن پیش از او معرفی می‌کند
(ص ۴۱). به گفته نویسنده، گرایش شیخ انصاری به مباحث عقلی و فلسفی از امتیازات
مهم اوست که به شاگردانش، از جمله آخوند خراسانی، و سپس به شاگردان آخوند از جمله
محقق اصفهانی، میرزای نائینی و آقا ضیاء عراقی نیز منتقل شد (ص ۴۳-۴۴).

محقق داماد در توضیح ورود مباحث عقلی و فلسفی در آثار شیخ انصاری و آخوند خراسانی،
نمونه‌هایی متعدد از این مباحث را برمی‌شمارد؛ از جمله: عوارض ذاتی و واسطه در عروض
و ثبوت، امتناع صدور کثیر از واحد و بالعکس، اصالت وجود و ماهیت، وجود کلی طبیعی در
خارج، قضایای ممکنه و ضروریه، مباحث مربوط به جعل و تقسیم آن به ذاتی و عرضی،
بسیط و مرکب، و در نهایت، قضایای حقیقیه و خارجیّه (ص ۴۵).

وی سپس به نقدهایی که بعدها متوجه شیخ انصاری و آخوند خراسانی شده اشاره
می‌کند؛ از جمله این‌که تعاریف ایشان از بسیاری از این اصطلاحات با کاربرد رایج آن‌ها در
میان اهل فلسفه هم‌خوانی ندارد (ص ۴۵-۴۶).

اجتهاد صنعت‌محور آخوند خراسانی در مقابل اجتهاد عرف‌محور
محقق داماد برای تبیین اجتهاد صنعت‌محور آخوند خراسانی ابتدا به تفکیک دو نوع اجتهاد
و ویژگی‌های آنها اشاره می‌کند: اجتهاد صنعت‌محور به ابتکار آخوند خراسانی، و اجتهاد
عرف‌محور به رهبری سید محمدکاظم طباطبائی یزدی.

ویژگی‌های اجتهاد صنعت‌محور:

تأسیس اصل یا قاعده پیش از بررسی منابع اولیه.
تلاش برای انطباق مفاد ادله و مدارک اولیه با اصل و قاعده تأسیس‌شده.
اعمال قواعد اصول فقه و محور قرار دادن آن‌ها در استنباط احکام شرعی.
بهره‌گیری از قواعد فلسفی در تنقیح محل نزاع و دستیابی به نتیجه مطلوب با اتکا به آن
قواعد.
نگارش فنی، موجز و مختصر به‌گونه‌ای که برای فهم متون ارائه‌شده نیاز به شرح‌نگاری
است.

توسعه قلمرو شریعت (دین حداکثری) و فراگیر ساختن آن در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی از رهگذر اجتهاد. ویژگی‌های اجتهاد عرف‌محور:

در بخش عبادات، توجه به روایات و تعادل در اعمال قواعد اصولی، و در بخش معاملات، توجه به سیره عقلی، خرد جمعی و عرف جامعه. باور به این‌که اصل در موضع شارع در امور معاملات «امضایی» است، نه «تأسیسی». توجه به قضایای واقعی و مستحدثه و مطالعه موردی برای پاسخ به رخدادها بر اساس مقتضیات زمان.

نبود ترس از مخالفت با مشهور در صدور فتوا. صدور فتوا به شکل قاطع و کمتر ارجاع دادن به احتیاط (ص ۱۰۸-۱۰۹). جعل احکام وضعی در نظریه جدید آخوند خراسانی محقق داماد ادبیات فقهی و اصولی شیعی درباره جعل و وضع احکام وضعی و تکلیفی را از ارزشمندترین مباحث فلسفه حقوق اسلامی می‌داند (ص ۱۶۶).

به نظر نویسنده، آخوند خراسانی احکام وضعیه را در سه دسته تنظیم کرده است:

احکام وضعی بدون جعل تشریعی، نه به صورت استقلالی و نه به صورت تبعی؛ مانند زوجیت، شرطیت و مانعیت.

احکام وضعی که جعل استقلالی آن‌ها با اشکال عقلی روبه‌روست، اما جعل تشریعی در آن‌ها به تبع حکم تکلیفی معقول است. در این موارد، حکم وضعی از حکم تکلیفی منتزع می‌شود؛ مانند حکم وضعی جزئیت برای سوره، که به تبع حکم تکلیفی نماز است. احکام وضعی که جعل استقلالی آن‌ها و نیز جعل تبعی و انتزاعی آن‌ها از حکم دیگر، معقول است؛ مانند جعل استقلالی رابطه زوجیت پس از نکاح توسط شارع، یا جعل تبعی حکم حلیت نگاه و نزدیکی و نفقه و ارث (ص ۱۶۹ و ۱۷۰).

نویسنده معتقد است که آخوند خراسانی میان واقعیات و اعتبارات خلط کرده و عالم تشریع را با عالم تکوین قیاس کرده است. درحالی‌که در عالم تشریع، به راحتی می‌توان احکام وضعی مانند سببیت را از وجوب شارع (احکام تکلیفی) انتزاع کرد؛ زیرا احکام وضعی در اینجا اعتباری‌اند نه تکوینی. شاهد این مدعا، وضع و جعل احکام تکلیفی و وضعی در قانون‌گذاری عرفی و تشریعی است. وی همچنین از نظریه فاضل تونی دفاع می‌کند که طبق آن، احکام وضعی نیز مانند احکام تکلیفی، قابل جعل مستقل هستند (ص ۱۸۰ تا ۱۸۲).

جایگاه عدالت در مکاتب فقهی و اثر آن بر حقوق بشر محقق داماد در تبیین جایگاه دو اصل عدالت و کرامت بشری در اجتهاد شیعی ابتدا به مناسبت به نظریه غزالی درباره اجتهاد و پنج مصلحت در فقه (ص ۱۸۵)، اصل عدالت در مکاتب اشعری، معتزلی و شیعی (ص ۱۸۹)، و انعکاس آن در فقه معاصر، به‌ویژه در دوره انقلاب مشروطه ایران و فعالیت‌های آخوند خراسانی، مانند پیام ده‌ماده‌ای او به محمدعلی شاه (ص ۱۹۴) می‌پردازد. وی همچنین نقش عدالت در توسعه حقوق بشر از دیدگاه اجتهاد شیعی، و تحلیل‌هایی درباره حسن و قبح ذاتی، شرعی، قراردادی و واقعی بودن عدل و ظلم ارائه می‌دهد (ص ۲۱۷).

اصول پیش‌فقهی عدالت و کرامت انسانی
محقق داماد بر عقلانی‌بودن مفهوم عدالت تأکید دارد و این ظرفیت عقل بشری را در آموزه‌های قرآنی ریشه‌یابی می‌کند (ص ۲۰۴). از نظر او، اصل کرامت انسان نیز از ارکان کلیدی مفهوم اسلامی عدالت است و به‌عنوان یک اصل قرآنی معتبر شناخته می‌شود (ص ۲۱۵). در نهایت، وی این دو اصل را در قالب «اصول پیش‌فقهی» معرفی می‌کند؛ اصولی مقدم بر ادله استنباط احکام شرعی، و نه هم‌عرض یا در تعارض احتمالی با آنها (ص ۲۱۶ و ۲۵۶).

اصل کرامت انسانی در وقف برای غیرمسلمان
محقق داماد با بررسی اصل کرامت انسانی در متون فقهی، بیان می‌کند که ردپای مستقیمی از استناد به این اصل در فتاوی فقهی دیده نمی‌شود، مگر در بحث «وقف» که برخی فقیهان در صدور فتوا به اصل کرامت انسان اشاره کرده‌اند (ص ۲۵۵).

برای تبیین دیدگاه آخوند خراسانی درباره اصل کرامت، محقق داماد فرض «جواز وقف مسلمان برای افراد کافر» را بررسی کرده و پنج قول مشهور میان فقها را بازگو می‌کند: ۱. عدم جواز مطلق، ۲. جواز مطلق، ۳. تفصیل میان اقربا و دیگران، ۴. تفصیل میان والدین و دیگران، ۵. تفصیل میان کفار حربی و غیرحربی (ص ۲۵۸ تا ۲۶۵).

وی پس از شرح اقوال پنج‌گانه، نظر آخوند خراسانی را بر اساس «رساله وقف» شرح می‌دهد که آخوند، نظر مشهور درباره بطلان وقف بر کفار را با استناد به آیات قرآن درباره احسان و نیکوکاری و تفاوت آنها با مودت، نقد و رد کرده است (ص ۲۶۶). وی قائل به تفصیل میان کافران مقاتل و غیرمقاتل است و فقط دوستی با گروه خاصی از کفار یعنی مقاتلان ممنوع شده است و سایرین دارای حرمت و کرامت‌اند (ص ۲۶۷).

میزان نقش ایمان و کفر در زندگی شهروندی
به باور محقق داماد، ایمان و کفر امری قلبی است و نباید در روابط اجتماعی، اعم از شهروندی یا همزیستی، تأثیرگذار باشد. او پیشنهاد تقسیم جدیدی برای تعامل اجتماعی ارائه می‌دهد:

مسالم: کسی که جنگ‌طلب نیست و آسایش جامعه را تهدید نمی‌کند.
محارب: کسی که با سلاح و دشمنی به جنگ با مسلمانان برخاسته و امنیت اجتماعی را هدف می‌گیرد.

به نظر محقق داماد، بر اساس آیات قرآن، مقابله و جنگ با گروه دوم مجاز و نوعی دفاع مشروع است (ص ۲۷۰). وی همچنین با استناد به آموزه‌های قرآنی، بر اصل وحدت خانواده بشری و اصولی مانند برابری و برادری تأکید می‌کند (ص ۲۷۲) و توضیح می‌دهد که «اطاعت از خدا و پیامبر» در قرآن، به‌معنای ایمان قلبی نیست؛ بلکه ناظر به رعایت مقررات اجتماعی و تکالیف شهروندی است (ص ۲۷۳).

اصل عدم ولایت و مستثنیات آن

ولایت یک شخص بر دیگری، طبق اصل اولیه، موضوع گفتار هشتم کتاب است که نویسندگان آن را از منظر شیخ انصاری و آخوند خراسانی بررسی می‌کند (ص ۲۷۷). این اصل، پایه‌گذار نظریه ولایت فقیه است و محقق داماد آن را در سه حوزه شرح می‌دهد: صدور فتوا (ص ۲۸۰)، قضاوت (ص ۲۸۲) و ولایت بر اموال و نفوس (ص ۲۸۴).

نویسنده ابتدا به بررسی تبیین تأسیس اصل اولیه «عدم ولایت» از سوی نراقی و بهره‌گیری شیخ انصاری از این اصل و ادله آن می‌پردازد (ص ۲۸۵ و ۳۱۶). بر اساس استدلال شیخ انصاری، ولایت معصوم و اطاعت از او از جانب خداوند تثبیت شده است و نه تنها در احکام شرعی، بلکه در امور عرفی، اموال و نفوس نیز به صورت مطلق نافذ است و جزو مستثنیات از اصل «عدم ولایت انسانی» به شمار می‌رود (ص ۲۸۹ و ۳۱۶).

گستره ولایت پیامبر و امام معصوم محقق داماد در ادامه، دیدگاه آخوند خراسانی را در حاشیه کتاب «مکاسب» مطرح می‌کند که بر این باور است که پیامبر و امامان معصوم تنها در امور مهم و کلی مرتبط با سیاست، ولایت دارند؛ اما در امور جزئی و در حریم خصوصی مردم، مانند سلب مالکیت یا زوجیت، یا در مسائل خارج از مصالح عمومی جامعه، ولایت ندارند (ص ۲۹۰ و ۲۹۴).

محدوده ولایت فقیهان از منظر آخوند خراسانی محقق داماد در مسئله ولایت فقیهان ابتدا به دیدگاه شیخ انصاری اشاره می‌کند که بر اساس آن، فقیهان در تصرف در جان و مال مردم، ولایت ندارند و اقامه دلیل بر وجوب اطاعت از فقیه همانند امام معصوم بسیار دشوار است (ص ۲۹۳). او سپس نظر آخوند خراسانی را بررسی می‌کند؛ طبق این دیدگاه، با توجه به محدودسازی ولایت و اطاعت پیامبر و امام به احکام شرعی و مسائل مهم سیاسی، نتیجه آن، محدود بودن ولایت فقیهان است (ص ۲۹۴).

در ادامه، محقق داماد به تفکیک اختیارات حاکم اسلامی در سه حوزه فتوا، قضاء و اجرا اشاره و این تقسیم‌بندی را با اصل تفکیک قوای سه‌گانه که ریشه در اندیشه ارسطو دارد، مقایسه می‌کند. وی سپس بازتاب این تفکیک را در آثار فقهای معاصر، از جمله امام خمینی، بررسی می‌کند (ص ۳۰۳).

ولایت فقیه نشانه اجتهاد مستمر شیعی نویسنده در گفتار پایانی کتاب با عنوان «اجتهاد مستمر شیعی در رویارویی با مسائل عصر حاضر» به بحث ولایت فقیه می‌پردازد و نقد شیخ انصاری به صاحب جواهر که به ولایت عامه فقها معتقد بود و سپس محدودتر دیدگاه آخوند خراسانی و آنگاه بازگشت به قبل و پیمودن راه نراقی و جواهر توسط امام خمینی را مطرح می‌کند و آن را نشانه اجتهاد مستمر شیعی در مقابل مکاتب انسداد فقهی می‌داند (ص ۳۱۴-۳۱۷).